

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان - نخست وزیر محترم ایران

رونوشت :

— دفتر امام خمینی رهبر عالیقدار انقلاب

— دفتر آیت الله طالقانی

— کانون نویسندها ایران

— روزنامه‌های آیندگان، اطلاعات، صدای معاصر و بامداد

کوشش زیادی از جانب ما شد که مشکلات کانون در درون خود کانون حل شده و انتشارش در بیرون مشکلی دیگر بر مشکلات مملکت نیافزاید و تشتت بیشتری را باعث نشد، ولی عدم احساس مسئولیت و عدم آشنائی سرپرستی کانون با مدیریت و سوء نیت آشکارشان مجبورمان کرد که این نامه سرگشاده را خدمتستان فرستاده و تمام ملت ایران را به داوری بخوانیم.

با قیام مسلحانه خلق قهرمان ما در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن حکومت ننگین آریامهری سرنگون شد و ما حضور آزادی را در خونین ترین روزهای سرد زمستانی جشن گرفتیم. دیگر سرکوب نیست، اختناق شکنجه آور، سانسور و تفتیش عقاید نیست. در گوشی گفتهای هراس آور و بند و زندان نیست، دیگر زمان زمان منطق و دلیل هست. جشن گرفتیم چرا که گمان میکردیم دیگر حرف را با گلوله پاسخ نمیگویند، زیانت را از کام بیرون نمیکشند و بخصوص ما کارکنان مرکز فرهنگی - هنری که لبه تیز دشnam واره مرگ آور دستگیری و شکنجه همواره بسوی ماتاب میخورد - واین را تاریخچه کانون پژوهش فکری بخوبی نشان میدهد. چه هوای پاکیزه‌ای و چه خیال مطبوعی که از این رهایی آیند سرکوب و تفتیشو و اختناق در سر نداشتیم.

مدیر عامل فاسد کانون و ارهای مدیران بی صلاحیت که از مدتها پیش زیر فشار یکپارچه‌شورای قسمت-

های مختلف کانون عمل از کار برکنار شده و منتظر محاکمات قانونی واخراج بودند، کانون مدت کوتاهی

تارسیدن مدیر عامل جدید چشم در راه مدیر عامل با فرهنگ، انقلابی آزاد اندیش و سرگزیده بود تا،

اینکه روزی خبر رسید مدیر عامل جدید آمدند همه کارکنان برای جلسه آشنائی با این مدیر فراخوانده شدیم. چقدر خوشحال بودیم. جلسه تشکیل شد چشمها از خوشبالي برق میزد. ولی جناب آقای

مهندس بازرگان آنروز در پارک جلالیه آقای مدیر عامل که آمدند خشک و بوس خودشان را پشت تریبون

جایجا کردند بدون مقدمه، بدون هیچ علت و اساسی همه مارا به طاغوتی بودن و سواکی بودن و ضد

انقلابی بودن متهم کردند. گفتند که آدم حسابی توی شما پیدا نمیشود، گفتند تا الان شما جاز

خیانت به مردم کاری نکرده‌اید و شما برای بنیاد فرح کار میکردید در پایان گفتند بشما فرصت داده

میشود که هرچه زودتر خودتان را اصلاح کرده و با انقلاب همگام کنید. این شخص حتی نمیدانست رقم عده‌ای از کتابها و فیلم‌های توقیف شده و افراد زندانی و شکنجه شده از همین کانون بوده‌اند

خلاصه تهمت وتحقیر توهین آنقدر بالا گرفت که عده‌ای از حاضران که از گردانندگان اصلی اعتصابات فلجه کننده رژیم قبلی بودند مجبوریه اعتراض شدند . آقای مدیرعامل انقلابی ! بدون توجه به اعتراضات به فحاشی و تحقیر و تکفیر ادامه داد چندان که پاره‌ای از کارکنان صبرشان سرآمد و برای جلوگیری از هرگونه انفار و درگیری جلسه راترک کردند . چند روزهاین ماجرا گذشت و کارکنان که هنوز منتظر اقدامات انقلابی در کانون بودند ، زمزمه تفرقه و تهدید شنیدند . خیلی مرموزانه و مشکوک لیست هائی بر درودیوار نصب شد که بطور ضعی خواستار اخراج عده‌ای بودند جناب آقای نخست وزیر قابل توجه است این عده ناپرده همان گردانندگان اعتصابات در هم گوینده رژیم شاه بودند ولی قضیه جدی تلقی شد . اما چیزی از این ماجرا نگذشته بود که شنیده شد در چند کتابخانه کودک تعدادی از اعضاء مأموریت یافتند تاخواستار برکناری پاره‌ای از کتابداران از کارشان شوند - چیزی که اصلاحابقه نداشت دیگر مسئله خیلی جدی بنظرمی‌ام . شورای کتابداران و کارکنان که در جریان انقلاب برحسب ضرورت شکل گرفته و بوجود آمده بود تصمیم گرفتند این مشکل عجیب و بیسابقه را با آقایان سرپرستان (که تعداد ثابتی نبودند) در جریان بگذارند تا به کمک هم به راه حلی برسند ، جلسه‌ای شد و پس از مذاکره با آقایان (جنابان فیض و زرین) قضیه عجیب ترشد ، سرپرستی با خونسردی و بدون هیچگونه احسان مسئولیتی گفتند انقلاب است و باید هم اینجوری باشد . دیگر موضوع ساده نبود . مشخص شد که اتفاقات طبق یک برنامه و یک نقشه از قبل تدارک شده انجام می‌گیرد . به کتابخانه‌های اراک و آبادان حمله شد ، با سرپرستی که تماس گرفته شد حمله‌ها را تائید کردند و گفتند خوب مردم آزادند . اما کارکنان بخصوص کارکنان فرهنگی - هنری که دیگر انتظار یک منطق انقلابی را داشتند این فضا برایشان مرگ آور می‌شد . به کتابخانه‌های جنوب تهران حمله شد . تلفن مستقیم سرپرستی کانون را توی جیب همه اعضا تازه وارد می‌شد پیدا کرد . کارشناسان فرهنگی تصمیم گرفتند برای حل مشکل مستقل نشستی با هیئت سرپرستی داشته باشند . در جلسه علناً آقای زرین (که به مرور آقای فیض را کنار گذاشتند) به کارشناسان گفت که همه شما توطئه گردید . جلسه به نتیجه‌ای نرسید . دیگر هیچ راهی وجود نداشت مگر اینکه برای روشن شدن مسائل و حل مشکلات مجددآ جلسه عمومی دیگری با حضور سرپرستی و همه کارکنان کانون تشکیل شود . هنوز امید بهبود میرفت . ولی آقایان سرپرستان در روز معین به جلسه‌ای که در پارک جلالیه برای حل این مشکلات ترتیب یافته بود نیامدند . اما این حرکت توهین آمیز سرپرستی هم باعث در هم ریختن جلسه نشد بلکه سراسر جلسه بطور منظم به افسای روابط تارعنگبوتو و مناسبات مشکوک درون کانون پرداخته شد و این افشاگری و تحلیل اوضاع آنقدر روشن و قابل لمس بود که حتی پاره‌ای از کارکنان ساده کانون که سرپرستی همواره از صداقت و ناگاهی سیاسی شان بطور تنفر آوری در جبهت منافع ضد مردمی شان سوءاستفاده مینمایند متوجه بعضی حقایق شده و باسایر کارکنان آگاه هم‌داد شده ، خواهان پاسخگویی سرپرستی (آقایان فیض و زرین) به اعتراضات بحق این عده شدند

وزیر این فشار رسوایت کننده بود که آقایان سرپرستان مجبور شدند در تاریخ ۲/۲/۵۸ به کاخ جوانان مرکزی آمده و به سئوالات کارکنان پاسخ دهد . در این جلسه عمومی یکی از کارکنان فرهنگی چند سوال پیرامون اوضاع مشکوک کانون مطرح کرد (مدارکش موجود است) اما سرپرستی بجای هرسوی پاسخ اصولی به این پرسشها (چون پاسخ نداشتند) طبق فلسفه تفرقه بیاند از و حکومت کن رو به دولت کارگر و خدمتگزار را نداند کرد - که تمام مدت اعتصابات را شانه به شانه هم علیه رزی - م جنگیده بودیم و با کمال وقارت گفت اینها (کارمندان) هنوز میخواهند آقایان باشند و شما نوکران (زهی عدالت انسانی و بیشرمنی !) کو اینچنین بوده است ؟ حداقل از ناحیه این افراد کانون) به دولت ما گفتن شما نباید این اجازه را به کسی بد هید روی سرتان سوار بشوند ، از احساسات پاک مذهبی عناصر ناآگاه سوه استفاده کردند ، گفتن اینها میخواهند مذهبتان را بگیرند (حربهای که اینروزها فرصت طلبان منحوس به کارش میگیرند) هر نوع شورا را رد کردند و با صراحت گفتن هیچ نوع انتخابی در کار نیست و همه نوع تصمیمات را خود مان میگیریم و نیز گفتن است که در همین جلسه شکاف درون سرپرستی نیز آشکار شد و جلسه بهم خورد ، و از آنروز به بعد بارها با خدمتگزاران و دولت را نداند ما جلسه کردند و بهشان گفتن : اینها که هی سؤال میکنند و ایجاد مشکل میکنند کوونیست و ضد انقلابیند (همان گردانندگان اعتصاب) از خدمتگزاران کتابخانه ها خواستند کتابداران را زیر نظر داشته باشند ، بخشنه صادر کردند که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که محل کتاب است ، کتاب رد و بدل نشود ، گفتن سعی کنید هر جور هست نام کتابهای را که کتابداران میخوازند یار داشت کنید (هر چند این دولت ما چندان اعتنایی به این موهومات نکردند) ، چون هر نوع توطئه و برنامه های ضد انسانیشان نقش برآب شد چاره ای کوتاه بینانه اندیشیدند . حقوق همه کسانی که در این جلسات برای رفع مشکلات مطلبی گفته بودند قطع شد . اوضاع غیر قابل تحمل میشد ، این عمل غیر انسانی باعث برآشتفتگی همه عناصر آگاه و صادق کانون شده ، تصمیم به تشکیل مجمعی از شوراها و کمیته فرهنگی و عناصر فرهنگی - هنری گرفته شد . مجمع تشکیل شده و هیئت اجرائی آن تعیین گردید و به این هیئت مأموریت داده شد با سرپرستی تماس گرفته و به مشکلات پایان دهد . بدین منظور با سرپرستی تماس گرفته شد ، دوباره شد و خلاصه در نشستی که انجام گرفت از طرف سرپرستی نه تنها شورا تائید نشد بلکه در طول مذاکره به تک تک اعضا شورا انگ چسبانده شد و بد و ن آنکه از نشست نتیجه ای گرفته شود آقای زرین مدیر عامل کانون جلسه را ترک کردند . این زمان مواجه شد با اخراج مریبان هنری (که اکثرشان عضو همین شورای فرهنگی هنری هستند) مریبان جمع شده و نمایندگانی برای مذاکره با سرپرستی انتخاب کردند . جلسه تشکیل شد و دلایلی که برای اخراج مریبان آورده شد بهیج وجه قابل قبول نبود . (صورت جلسه موجود است) . عملکارهای هنری تعطیل اعضا ایشان کلاس های هنری که نمیخواستند که کلاس هایشان نیمه کاره رها شود درخواست

ادامه کار این مراکز هنری را گردند . به سرپرستی ورهبری آقای زرین مدیرعامل کانون کودکان معصوم علیه یکدیگر بسیج شدند . موافق و مخالف پیدا شد کتابخانه ها بهم ریخت آقای نخستوزیر در زمان دولت اسلامی شما گفتگوی خصوصی کارکنان کانون را خبط میکنند (نوارها پیش آقای زرین موجود است) به دست پچه های معصوم کاغذ سفید میدهند وعلیه کتابداران طومار جمع میکنند هر کس حرف حقی بزنده حقوقش قطعی میشود ، بشکل رهشتگی از احساسات مذهبی توده مردم سواستفاده شده وتحقیقشان میکنند . چاره ای نبود کتابداران ومریان هنری تصمیم گرفتند با مقام بالاتری تماس بگیرند . به آقای تهرانچی تماس گرفته شد . ایشان مریان را نپذیرفتند ولی با کتابداران که جلسه کردند به هیچیک از پرسش های کتابداران پاسخ درستی نگفتند ، مثلاً چرا ساواکی های کانون اخراج نمیشوند ، چرا تمام کلاس های هنری تعطیل میشود ، چرا دارگاهها بجای رسیدگی به وضع ساواکی های کانون کارش شده است تفتیش عقاید وچرا کودکان معصوم را که اصلاً اطلاعی از مشکلات کانون ندارند بجان کتابداران میاندازند ، پاسخگو ومسئول این هملات مسلحه به کتابخانه ها کسیست ؟ هیچ تامینی در کتابخانه ها وجود ندارد و مدارک درست نداریم که گرداننده همه این ماجراها سرپرستی است (اما ایشان بجای پاسخ به این مشکلات مشتی کلی با فی کردند وکلیه اقدامات غیر اصولی و ضد انسانی سرپرستی کانون را نیز تایید کردند (صورت جلسه موجود است) ، وصبح فردا کارت ورود و خروج تمام نمایندگان قسمت های مختلف واعضای شورا جمیع شد واین عدد را همراه چند تن از کتابداران از کار بیکار کردند .

جناب آقای مهندس بازرگان دیگر ماهیتا چیزی بنام کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان " وجود ندارد کانون توسط فامیل ها و دوستان و آشنایان آقای زرین اشغال شده استرئیس پرسنل و مدیر امور اداری بعنوان اعتراض به " اخراج غیر قانونی " کارکنان کانون استعفا داده اند .

اکنون مباراً اعتراض به رفتار غیر انسانی و سوئیت و از هم پاشیدن کانون پرورش فکری توسط سرپرستی غیر مسئول و بی صلاحیت اعلام تحصن کرده خواهان رسیدگی به موارد زیر هستیم :

- / ۱- بازگرداندن کلیه کارکنان اخراجی به سرکار ، که به ناحق وبدون دلیل غیر قانونی اخراج شده اند .
- ۲- بازگشائی مجدد مراکز آموزشی هنری کانون ویکار گماردن مجدد مریان هنری این مراکز .
- ۳- رفع هرگونه سانسور وتفتیش عقاید و خفغان و تامین شرایط مساعد برای ادامه فعالیت های سازنده فرهنگی - هنری .

۴- افشاء ماحیت درزهای ووابستگان رژیم گذشته و محکمه واخراجشان از کانون و محدود ناصر اعتمادی

که اکنون در لباس اسلام از نزدیکان سرپرستی کانون شده اند .

۵- تایید شوراهای واقعی منتخب کارکنان کانون و انحلال شوراهای فرمایشی .

۶- برکناری روسای تحمیلو و بی فرهنگ و بی صلاحیت که از بیرون آمدند .

جناب نخست وزیر میدانیم مشکلات زیادی دارد ولی کانون دارد نابود میشود .

11001ΣΣ

The image shows a large number of handwritten signatures and cursive inscriptions in Persian, arranged in a non-linear, overlapping fashion across the entire page. The styles of the signatures are diverse, ranging from simple loops and swirls to more complex, multi-layered ones. Some signatures are clearly legible, while others are more abstract. The content of the signatures includes names and possibly dates or numbers, though they are not always clearly readable. The overall appearance is that of a collection of personal signatures or a page filled with administrative or legal documents.

1100-188

٩ - دناله امتحانی مارک بینا میرزه خاتم آفریقی فرزند

9

عنه می باشد این ای مارک (L) سعادت فرش - همچوی مارک (M) و مارک (N) که در اینجا نشان داده شده است.

رمان طلب یور

7 *James*

~~96.71~~

فوجیل کلکسیونز



کتابخانه آنلاین «علمی و تحقیقی»



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه‌ها»